

الهیات تطبیقی (علمی)

سال دهم، شماره بیست و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

ص ۶۳ - ۸۰

## تحلیل تطبیقی عناصر هنری داستان طوفان نوح(ع)

### در سوره هود و سفر پیدایش

کرم سیاوشی\* - میثم خلیلی\*\* - سمیرا قلی‌ئی\*\*\*

#### چکیده

شیواترین ابزار بیان و انتقال مفاهیم و انگاره‌های مدنظر، روایت و به تصویر کشیدن وقایع در قالب «قصه» است که اهداف متعددی را با خود به همراه دارد. داستان طوفان نوح(ع) یکی از داستان‌های مشترک در میان دو کتاب مقدس تورات و قرآن است. این پژوهش در راستای تحلیل عناصر داستان طوفان نوح(ع)، با روش تحلیل تطبیقی خرد، سامان یافته و با استفاده از روش‌های جزئی دانش‌شناسانه‌شناختی، واکاوی شده است. تاکنون پژوهش‌های مشابهی صورت نگرفته است. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد هرچند اشتراک‌هایی بین دو روایت در عناصری همچون بیان نزول عذاب به سبب نافرمانی، تبیین شخصیت نقش اصلی داستان، کوهستانی‌بودن مکان داستان، محوریت زمانی خطی و منسجم وجود دارد، درباره پیرنگ داستان، زاویه دید، شخصیت‌ها، کشمکش، گفت‌وگو و صحنه‌پردازی تفاوت‌های چشمگیری به چشم می‌خورد. نکته مهم دیگر اینکه روایت تورات از طوفان نوح(ع) با پرداختن بیش از حد به جزئیات زمانی و مکانی، بیشتر شبیه روایتی تاریخی است؛ اما روایت قرآن از ماجرای طوفان در ورای بیان داستان، بیشتر اهداف هدایتی و اندازی و عبرت‌انگیز را دنبال می‌کند که این موضوع سبب جذابیت و اثرگذاری بیشتر روایت قرآنی شده است.

#### واژه‌های کلیدی

نشانه‌شناسی، داستان طوفان نوح(ع)، عناصر هنری، تحلیل تطبیقی خرد، سفر پیدایش، سوره هود

karam.siyavoshi@basu.ac.ir

meysam.khalili1370@gmail.com

samiragholiee313@gmail.com

\* دانشیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (مسئول مکاتبات)

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، یزد، ایران

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۱

Copyright © 2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

## ۱. مقدمه

می‌داند (رضایی و محمودی، ۱۳۹۰: ۵۲).

در نوشتار حاضر، با استناد به مکتب ساختارگرایانه، عناصر هنری داستان طوفان نوح(ع) در دو روایت تورات و قرآن (با محوریت سوره هود)، بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو روایت بیان می‌شوند.<sup>۱</sup>

پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: ۱- عناصر داستان طوفان نوح(ع) در روایت سفر پیدایش تورات و سوره هود در قرآن کریم چه حوزه‌هایی را در بر می‌گیرد؟ ۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان ساختار هنری داستان طوفان نوح(ع) در دو روایت تورات و قرآن وجود دارد؟ ۳- کدام روایت از گیرایی، اثرگذاری، هدایت‌گری و عبرت‌انگیزی بیشتری برخوردار است؟

روش انجام پژوهش پیش رو، روش تطبیقی خرد و همچنین مطالعه‌ای بینامتنی است. مطالعه یا مقایسه تطبیقی، زمانی خرد است که دو سوژه مطالعه‌شده مستقیماً به ساختاری بزرگ وابسته باشند و میان ترکیب‌بندی ساختار و کارکردهای عناصر آن دو مشابهت‌های اساسی وجود داشته باشد؛ یعنی این دو سوژه، دو چیز شبیه به هم باشند که از یک جنس و از یک جا نشأت گرفته و شباهت‌های زیادی به یکدیگر داشته باشند (پاکتچی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۶۴-۱۶۵)؛ بنابراین زمانی که داستان طوفان نوح(ع) در این دو کتاب تورات و قرآن، بررسی و مقایسه شود، این مقایسه درباره دو عضو از یک خانواده است و مطالعه خرد به شمار می‌آید.

درخور ذکر است درباره بررسی تطبیقی داستان نوح(ع) در متون مقدس، آثاری همچون پایان‌نامه «بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح(ع) در قرآن و عهدین»، دانشگاه قم، (۱۳۹۶)، نوشته اسحاق ماندگاریا و مقاله «تحلیل تطبیقی طوفان نوح در تورات و قرآن»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۱۳، (۱۳۹۷)، نوشته جلیل پروین

نشانه‌شناسی متون ادبی، یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که متون ادبی از جمله شعر و داستان را تجزیه و تحلیل می‌کند. تحلیل متن به اعتبار جانشینی و هم‌نشینی، بررسی دلالت‌های ضمنی، شناخت سازوکارهای شکل‌دهنده به گفتمان از قبیل اسطوره‌ها، استعاره‌ها، نمادها و شناسایی دیگر شگردهای بلاغی است (فرهنگی و یوسف‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴۴). هدف پژوهش‌های نشانه‌شناسی، بیان ویژگی‌های ساختاری و شکلی است که متون ادبی را از سایر متون متمایز می‌سازد (یوسف‌العرجا، ۲۰۰۲: ۱۴).

از جمله مهم‌ترین روش‌های القای مفاهیم تربیتی یا تاریخی در پرتو دانش نشانه‌شناسی، استفاده از فنون گفته‌پردازی به سبک هنری یا به عبارتی، گفتمان‌روایی است. چنین عناصر یک داستان در قالب هنر، ابزاری مهم برای انتقال اندیشه‌ها و نشانه‌ها به دیگران محسوب می‌شود. انسان همواره اندیشه‌های خود را در قالب هنر ریخته و به دیگران منتقل کرده است. جلوه‌های هنری در تمام ظواهر هستی و شئون عالم، مشاهده می‌شده و حاکی از نظم و هماهنگی، ظرافت و زیبایی نظام هستی است. از جمله دانش‌های نوین در حوزه مطالعه سبک و تحلیل محتوای گفتمان هنری، ساختارشناسی اثر هنری مبتنی بر شناسایی عناصر اثر است. تحلیل ساختارگرایانه درصدد کشف ساختار اثر ادبی یا نظام متن است. با کشف این نظام، ناقد دیگر از معنای متن یا دلالت قطعی آن روی بر می‌تابد و بنابراین، از جمله اهداف این نوع تحلیل، کشف معانی متعدد در آثار ادبی است. ساختارگرایان معتقدند پابندی به تک‌معنایی، ساده‌اندیشی است و باید اثر ادبی را اثری گشوده دانست که ظرفیت پذیرش تعدد معانی را داشته باشد (فضل، ۱۹۹۸: ۲۰۰)؛ زیرا ادبیات ذاتاً دارای این خصیصه است که حامل چندمعنی باشد و ابهام‌آفرینی کند؛ البته این آرا پیوندی تنگاتنگ با علم هرمنوتیک جدید دارند؛ زیرا متن را از سیطره تک‌معنایی‌های می‌بخشد و آفاق وسیع‌تری برای کشف معنای دیگر بر آن مترتب

<sup>۱</sup> این داستان در آیات ۲۵ تا ۴۹ از سوره هود آمده است.

مرتکب شدن فسادهای بسیار در زمین اشاره شده است که به دلیل همین پشیمانی، خداوند تصمیم به هلاکت بشر و نابودی او از روی زمین می‌گیرد (پیدایش، باب ۶: ۴). چگونگی این نابودی در قالب گزارش داستان طوفان نوح (ع) در ادامه ذکر شده است (باب ۶: ۵-۲۲ و باب ۷: ۱-۲۴ و باب ۸: ۱-۲۰). در انتهای داستان، بار دیگر به پشیمانی خداوند اشاره شده است! البته این بار خداوند از اینکه موجودی را که ذاتاً میل به گناه دارد، عذاب و لعنت کرده است، پشیمان می‌شود! (باب ۸: ۲۰-۲۲). بر اساس این، سیر حوادث در روایت داستان طوفان در تورات بر دو محور کلی استوار است؛ تصمیم خداوند مبنی بر عذاب انسان به دلیل گناه و فساد روی زمین (علت) و نزول سیل روی زمین و نابودی همه چیز جز آنچه در کشتی قرار داشته (پیامد) است. علاوه بر این، علت و معلول‌های جزئی دیگری نیز به حوادث داستان ارتباط منسجم بخشیده است. در ابتدای داستان، خداوند به دلیل فساد بشر تصمیم به نابودی ایشان می‌گیرد (پیدایش، باب ۶: ۷). همچنین تصمیم می‌گیرد نوح (ع)، همسرش، پسران و عروسانش را (به دلایلی مشخص نشده که می‌توان از آنها به خداپرستی افراد مذکور، نسبت خانوادگی با نوح (ع)، حفظ نسل نوح (ع) و ... یاد کرد) نجات دهد (باب ۶: ۱۴-۲۰). در ادامه، پیام خداوند مبنی بر نزول عذاب و ساختن کشتی ابلاغ می‌شود و نوح (ع) این فرمان را اجرا می‌کند (باب ۶: ۱۴-۱۸). طوفان در روز موعود آغاز می‌شود و با مشاهده آغاز طوفان، اقسام حیوانات به کشتی وارد می‌شوند و درب کشتی بسته می‌شود. کشتی پس از فوران آب، جاری می‌شود و به دلیل حجم آب، همه مکان‌های خشک و حتی کوهها در آب فرو می‌روند (باب ۷: ۱۰-۲۰). به دلیل سیل، همه موجودات زنده روی زمین نابود می‌شوند و تنها اهل کشتی نجات می‌یابند (باب ۷: ۲۱-۲۳). پس از گذشت مدت زمانی، سیل فروکش می‌کند و نوح (ع) پرندگانی را برای یافتن خشکی می‌فرستد (باب ۸: ۱-۱۴). پس از گذشت چند ماه، زمین خشک می‌شود و

و همکاران نگارش یافته است؛ اما درباره بررسی بینامتنی تصویر هنری داستان طوفان نوح (ع) در تورات و قرآن و مقایسه عناصر این دو داستان با یکدیگر، هیچ اثری به صورت کتاب، پایان‌نامه و یا مقاله مشاهده نشد.

## ۲. طرح و پیرنگ داستان طوفان نوح (ع) در دو روایت

پیرنگ، تنظیم و ترکیب وقایع داستان به صورت کاملاً منطقی و منسجم است. در واقع، در پیرنگ، حوادث داستان با تکیه بر روابط علی و معلولی با یکدیگر ارتباط می‌یابند (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۵۲-۵۳). داستان، روایت وقایعی است که در توالی زمانی منظم شده باشند و طرح، روایت رویدادهاست که در آن بر تصادف تأکید شده باشد (فورستر، ۱۳۶۹: ۹۲). طرح، داستان را پذیرفتنی و کامل می‌کند و با سایر عناصر ارتباط تنگاتنگ دارد. نطفه طرح، گاه در بستر گفتار، گاه در حوادث داستان و زمانی در شخصیت داستان و انگیزه‌های او ریخته می‌شود. دلایلی که برای انگیزه کردار و گفتار شخصیت‌ها و ایجاد حوادث آورده می‌شود، باید معقول باشد؛ زیرا هرچه طرح عقلانی‌تر باشد، داستان از انسجام بیشتری برخوردار خواهد بود و هرچه عقلانیت آن کمتر باشد، داستان ضعیف‌تر و آشفته‌تر خواهد شد. داستان‌نویس کاردان، طرح را در کل اندام داستان حل و محو می‌کند و به خواننده فرصت نمی‌دهد خطوط آن یعنی روابط علی بین رویدادهای داستان را به چشم ببیند و به گوش بشنود. طرح خوب و استادانه طرحی است که به اوج و نتیجه برسد (ایرانی، ۱۳۶۴: ۱۶۵).

اجزای داستان طوفان نوح (ع) در قرآن و تورات براساس رابطه علی و معلولی دارای پیوند زنده و استواری با یکدیگرند؛ به گونه‌ای که پیرنگ آن از سلسله حوادث منسجم، هماهنگ و لازم برای یکدیگر تشکیل شده است.

## ۱-۲. پیرنگ طوفان نوح در روایت تورات

در ابتدای گزارش داستان طوفان نوح (ع) در سفر پیدایش، به پشیمانی خداوند از آفرینش انسان به دلیل

نوح(ع) به خارج شدن از کشتی فرمان می دهد (باب ۸: ۱۵-۱۶). آن حضرت قربان گاهی برای عبادت خداوند می سازد و خداوند از این عمل او خشنود می شود و تصمیم به ترک لعنت انسان می گیرد (باب ۸: ۲۰-۲۲).

## ۲-۲. پیرنگ طوفان نوح در روایت قرآن کریم

طرح و پیرنگ داستان نوح(ع) در سوره هود نیز مبتنی بر روابط منسجم علت و معلول است؛ به گونه ای که علت و پیامد به صورت متوالی، به عناصر داستان ارتباط منسجم بخشیده است. در ابتدا به فرستاده شدن نوح(ع) برای هدایت قومش و دعوت آنها به پرستش خدای یکتا و ترس از آخرت اشاره شده است (هود/۲۵ و ۲۶). عکس العمل و پیامد این دعوت، انکار سران کفر از قوم اوست (آیه ۲۷). نوح(ع) در مقابل این عکس العمل، استدلال هایی برای حق بودن دعوت خود ارائه می دهد (آیات ۲۸-۳۱). قوم نوح(ع) بدون توجه به این موعظه ها و استدلال ها، از او درخواست تحقق عذابی می کنند که او وعده داده است (آیه ۳۳). نوح(ع) پس از مشاهده عکس العمل قوم، انذار آنان را بی فایده می بیند و بازگشت ایشان را به سوی خدای متعال می داند (آیه ۳۴). در آیه بعد، روی سخن و کلام به پیامبر اسلام(ص) است و تمامی گزاره های پیشین را به نبی اسلام(ص) نیز تعمیم می دهد؛ بدین معنا که معلول تمامی مخالفت ها و لجاجت های مشرکین دوره پیامبر(ص) را گمراهی ایشان می داند که این گمراهی به سبب گناهان بسیاری است که آنها مرتکب شده اند و یادآور می شود این لجاجت ها در برابر دعوت، مختص پیامبر اسلام(ص) نیست و انبیای گذشته نیز این مقاومت ها را در برابر دعوت حق تحمل کرده اند (آیه ۳۵). در واقع این آیه، حد وسط دو گزاره کلی داستان نوح(ع) در سوره است. آیات بعدی نیز ادامه ماجرا را پی می گیرند. بر اساس این، به نوح(ع) وحی می شود دیگر کسی از قومت به تو ایمان نمی آورند و به او فرمان ساخت کشتی داده می شود (آیات ۳۶ و ۳۷). به دلیل ساختن کشتی بر خشکی، سران قوم، نوح(ع) را مسخره

می کنند و عمل او را بیهوده می پندارند (آیه ۳۸). پاسخ او در برابر این استهزاء، وعده عذابی خوارکننده از سوی خداوند متعال است (آیه ۳۹). این وضع ادامه می یابد تا بالاخره وعده عذاب الهی محقق می شود و در این آیه، به کیفیت عذاب اشاره شده که همان فوران آب است. فرمان سوار شدن بر کشتی نیز پس از فوران آب مطرح شده است (آیه ۴۰). نوح(ع) در هنگام طوفان از پسرش می خواهد به ایشان ملحق شود؛ اما او از این موضوع امتناع می ورزد و به قله کوهی پناه می برد؛ اما موجی او را در بر می گیرد و در زمره غرق شدگان قرار می گیرد (آیه ۴۱). نوح(ع) پسرش را از خاندان خود می داند و از خداوند، نجات او را درخواست می کند (آیه ۴۵). خداوند از این سخن انتقاد می کند و عمل صالح را تنها شرط نجات بیان می دارد (آیه ۴۶). نوح(ع) به خاطر این سخن از درگاه الهی طلب بخشش می کند و به درگاه الهی پناه می برد (آیه ۴۷). پس از تمام شدن عذاب، به نوح(ع) فرمان پیاده شدن از کشتی داده می شود و عذاب الهی تمام کسانی که نافرمانی خداوند کرده بودند، در بر می گیرد (آیه ۴۸). در واقع حد وسط دو رابطه کلی علی و معلولی در سوره هود، آیه ۳۵ سوره است. صرف نظر از رابطه جزئی علت و معلولی، رابطه کلی مبتنی بر علت و پیامد یا معلول نیز در آیات یافت می شود که محوریت موضوعی آن، هشدار نزول عذاب به سبب نافرمانی (علت) و وقوع عذاب به دلیل بی توجهی به آن هشدار (معلول) است.

## ۲-۳. مقایسه و تحلیل دو روایت

رابطه کلی علت و معلولی در داستان نوح(ع) در دو روایت تورات و سوره هود، تفاوت های بسیار زیادی با هم دارند. رکن اصلی و کلی این رابطه در داستان نوح(ع) در سفر پیدایش، پشیمانی خدا از خلقت انسان به سبب گناه (علت) و ارسال عذاب برای نابودی بشر (معلول) است؛ اما در قرآن کریم هیچگاه سخن از پشیمانی خدا در میان نیست؛ بلکه طبق آیات سوره هود، علت اصلی نزول عذاب، بی توجهی به هشدارهای الهی است که نوح(ع)

واقعی نیز واکنش ما نسبت به گویندگان و شیوه بیان آنها متفاوت است. بارها اتفاق می‌افتد که مطلبی را از کسی بشنویم، ولی نپذیریم؛ اما همان مطلب از دهان شخص دیگری برایمان کاملاً پذیرفتنی باشد. بدین ترتیب، داستان‌نویسی که در پی بازآفرینی واقعیت است، می‌کوشد داستان را از نظرگاه شخصیتی نقل کند که تا جای ممکن آن را محتمل‌تر و پذیرفتنی‌تر بنماید و به بهترین نحو، تأثیر واحد مدنظر را در ذهن خواننده باقی بگذارد. به این نظرگاه که داستان را پذیرفتنی‌تر می‌کند، «زاویه دید» می‌گویند. در واقع، پدیده‌هایی که جهان خیال را می‌سازد، نه به خودی خود بلکه از نظرگاه معین به ما عرضه می‌شود (تودورف، ۱۳۸۸: ۳۲). در بستر روایت‌شناسی، زاویه دید به چشم‌اندازی روان‌شناختی اشاره دارد که هر داستان از آن چشم‌انداز بیان می‌شود. این چشم‌انداز دربردارنده چارچوبی روایی - خواه اول شخص یا سوم شخص، یا هر زاویه دیگری - است که نویسنده برای بیان داستان خود بر می‌گزیند. زاویه دید روایت، جوهره سبک داستان است (علوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷۱). در داستان‌های وحیانی متون مقدس، هدف اصلی، ایجاد کشش و جذابیت نیست؛ هرچند در بسیاری از موارد، این خصوصیت به کمال در روایت وجود دارد. در بیشتر داستان‌های وحیانی از جمله داستان‌های قرآنی، با وجود آنکه دانای کل از همه اخبار و جزئیات آن آگاه است، تنها آن بخش از روایت ذکر می‌شود که در راستای غرض هدایتی پیام الهی است. همین قاعده در دیگر عناصر روایت‌های قرآن نیز دیده می‌شود و تنها جزئیاتی در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد که مرتبط با موضوع، درون‌مایه و اندیشه روایت است (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴).

### ۳-۱. زاویه دید در روایت تورات

شیوه نقل داستان نوح (ع) در سفر پیدایش، به صورت روایت‌گری است؛ روایتی که راوی آن کاملاً مجهول است؛ به گونه‌ای که در حوادث داستان، خداوند نیز نقش و حضوری فعال و بارز دارد و در واقع، خداوند متعال نیز یکی از ایفاگران نقش در داستان است و محور تمامی

برای ایشان مطرح کرده بود. بر اساس این، محتوای کلی علت و پیامد یا به عبارتی دیگر، پیرنگ داستان در دو روایت تورات و قرآن، کاملاً متفاوت است. این تفاوت کلی، موجب جهت‌دهی متفاوت داستان در ذکر جزئیات شده است؛ به گونه‌ای که جزئیات داستان در سفر پیدایش، بر محور پشیمانی خداوند و نزول عذاب استوار است و جزئیات داستان در قرآن، یادآوری انذارها و بیان نتایج بی‌توجهی به آنهاست. علاوه بر آن، در ذکر جزئیات داستان نیز تفاوت‌های ژرفی دیده می‌شود. در روایت توراتی طوفان نوح، نسبت خانوادگی عامل مهمی در تصمیم الهی مبنی بر عذاب کردن یا نکردن عنوان شده است؛ در صورتی که در آیات سوره هود، دقیقاً عکس این موضوع صادق است؛ زیرا خداوند درخواست نوح (ع) را مبنی بر نجات پسرش، که به گمان او از خاندانش به شمار می‌آمده است، رد می‌کند و تنها عامل نجات را «عمل صالح» بیان می‌کند «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود/۴۶). همچنین، پیرنگ داستان طوفان نوح (ع) در روایت تورات، بیشتر مبتنی بر نقل جزئیات تاریخی، زمانی و مکانی وقوع آن است؛ اما پیرنگ داستان در نقل قرآن، بر پایه بیان نتایج توحیدی و تربیتی است که به داستان، صبغه فراتاریخی بخشیده است؛ البته در تحلیل پیوستگی عناصر داستان طوفان به روایت تورات و قرآن کریم، شباهت‌هایی همچون ترتیب حوادث داستان از تصمیم الهی تا تحقق آن تصمیم و نیز کیفیت نزول عذاب وجود دارد.

### ۳. زاویه دید

زاویه دید یا زاویه روایت، نمایش‌دهنده شیوه‌ای است که نویسنده با آن، مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه می‌کند و در واقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۸۵). ما می‌توانیم درباره آنچه دیگری می‌بیند یا دیده است، حرف بزنیم. در زندگی

## ۲-۳. زاویه دید در روایت قرآن

زاویه دید در داستان نوح(ع) در آیات سوره هود، به صورت متکلم مع‌الغیر آغاز می‌شود و گویی در ابتدا خداوند یکی از شخصیت‌های داستان است «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (هود/۲۵)؛ سپس بلافاصله زاویه دید داستان به سوم شخص تبدیل می‌شود و دانای کل، داستان را روایت می‌کند. این روایت‌گری تا پایان داستان، با آوردن افعالی همچون «قال» و «قیل» ادامه می‌یابد و در این شرایط، فکری برتر از بیرون، شخصیت‌های داستان را رهبری می‌کند و از نزدیک شاهد اعمال و گفتار آنهاست و از گذشته و حال و آینده آنها آگاه است؛ برای مثال، در اواخر گزارش داستان و هنگام پایان یافتن طوفان می‌فرماید «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود/۴۴).

## ۳-۳. مقایسه و تحلیل

زاویه دید داستان به صورت دانای کل - که همان زاویه دید سوم شخص است - موجب می‌شود حوادث داستان شکلی منسجم‌تر به خود بگیرند و خواننده به دلیل اطمینان به آگاهی کامل گوینده از داستان ارتباط بهتری با داستان برقرار می‌کند. این امر در شرح داستان طوفان نوح(ع) در آیات قرآن کریم به زیبایی شایان توجه قرار گرفته است؛ اما در گزارش داستان در تورات، همواره یکی از پرسش‌های مطرح‌شده در ذهن خواننده این موضوع است که راوی داستان کیست. چرا خداوند نقش‌های گوناگونی در داستان دارد و گاهی به صورت راوی ایفای نقش می‌کند و گاهی عضوی از شخصیت‌های داستان است. به روایتی دیگر، جوهره و سبک داستان در دو روایت، تفاوت‌هایی دارند که عمده تفاوت در نقش روایت‌گری خداوند در داستان به صورت دانای کل یا راوی روایت است که این نقش در روایت قرآنی، بسیار پررنگ و در روایت توراتی کم‌رنگ‌تر است.

حوادث، مشیت و خواست خداوند است. راوی، شخصی است که داستان از زبان او روایت می‌شود. راوی در هر داستان به یک شکل ظاهر نمی‌شود؛ بلکه با وجود نقش میانجی و اسطوره‌ای که دارد به عناوین مختلف از قبیل سوم شخص یا اول شخص ظاهر می‌شود که هر کدام از این دو، حالات مختلفی را در بر می‌گیرند؛ برای مثال، راوی سوم شخص می‌تواند به صورت: ۱. سوم شخص عینی (نمایشی)، که راوی با زاویه دید نزدیک سعی می‌کند آنچه را می‌بیند، بی‌طرف گزارش کند. ۲. شیوه روایت عینی (دوربینی)، که راوی با زاویه دید نزدیک از صحنه غایب است و خواننده خود حوادث را می‌بیند. ۳. سوم شخص ذهنی، که خواننده به وسیله راوی سوم شخص ذهنیت و بُعد درونی شخصیت را می‌بیند (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۰۹).

در گزارش داستان طوفان، دلیل اصلی نزول عذاب برای قوم نوح، افزونی فساد و گناه در نظر خدا معرفی شده است که او با مشاهده این فساد، تصمیم بر نابودی بشر می‌گیرد (پیدایش، باب ۶: ۱۱-۱۳). گاهی زاویه دید داستان به دانای کل یا سوم شخص تغییر می‌یابد. آگاهی از اسرار نهان، ویژگی نویسنده داستان‌هایی است که به صورت سوم شخص یا دانای کل روایت شده‌اند. راوی دانای کل از مقاصد، نیت‌ها و اندیشه‌های شخصیت‌های داستان باخبر است و خواننده را در جریان این امور می‌گذارد. راوی دانای کل مانند کسی است که بر فراز تپه‌ای می‌ایستاد و از آن بالا، درباره وقایع و شخصیت‌های حاضر در داستان نظر می‌دهد (براهنی، ۱۳۶۸: ۱۹۶). فرمان‌های خداوند مبنی بر ساخت کشتی و توضیح کیفیت آن به نوح(ع) و یادآوری عهد الهی مبنی بر نزول عذاب و مصون ماندن نوح(ع) و خانواده‌اش از این طوفان، فرمان به جمع‌آوری حیوانات و ذخیره خوراکی‌ها از سوی خداوند به نوح(ع) ابلاغ شده است (باب ۶: ۱۴-۲۲ و باب ۷: ۱-۴). در ادامه داستان و در نقل حوادث ناشی از طوفان، بار دیگر زاویه دید به شیوه روایت‌گری تغییر می‌یابد و این شیوه تا پایان داستان ادامه دارد.

## ۴. شخصیت‌پردازی

شخصیت، سازمان پویا و نسبتاً پایداری است که فرد را از دیگران، متمایز و امکان پیش‌بینی رفتار فرد را در موقعیت‌های معین فراهم می‌کند (علی‌پور، ۱۳۸۶: ۳۷). خلق عینی اشخاص تخیلی را در ادبیات داستانی شخصیت‌پردازی می‌گویند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۶). درباره اهمیت نقش شخصیت در داستان بسیاری از نظریه‌پردازان ادبیات داستانی معتقدند «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستان است» (یونسی، ۱۳۸۸: ۲). در داستان‌های تاریخی، شخصیت بر حوادث داستان غلبه می‌کند و شخص، محور حرکت در قصه است و حوادث جاری در داستان، وابسته به شخص است. برای خواننده، مهم این است که رویداد از جمله حوادثی باشد که در زندگی خودشان نیز رخ می‌دهد و به هستی آنها ارتباط پیدا می‌کند؛ چون در چنین صحنه‌هایی فقط به کمک انسان است که بر می‌خیزد و به همین دلیل است که قهرمان داستان‌های تاریخی اشخاص‌اند، نه حوادث داستان (خطیب، ۱۹۷۵: ۴۲).

شخصیت‌پردازی در داستان طوفان نوح (ع) با تکیه بر گفت‌وگو و کنش و رفتار به دو روش مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است. اشخاصی که در این داستان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و با ذکر برخی صفات از آنها یاد شده به قرار ذیل است:

## ۴-۱. نوح (ع)

نوح (ع) مهم‌ترین و محوری‌ترین شخصیت حاضر در داستان، در هر دو روایت تورات و قرآن مطرح است. طبق نقل تورات، نوح (ع) تنها فرد درستکار و خداترس زمان خود است و سعی می‌کند طبق خواست خدا زندگی کند (پیدایش، باب ۶: ۹-۱۰). مطیع فرمان‌های خداوند است (باب ۶: ۲۲). او در زمان طوفان، ششصد سال سن دارد (باب ۷: ۶). با انجام یک قربانی که پس از طوفان، با اخلاص در راه خدا انجام می‌دهد، موجب خشنودی

مجدد خداوند از بشر می‌شود (باب ۸: ۲۰-۲۲). فردی شراب‌خور معرفی شده که به دلیل نوشیدن زیاد شراب و مستی پس از آن، از برهنگی خود بی‌خبر است (باب ۹: ۲۲). پس از طوفان، ۱۵۰ سال دیگر عمر می‌کند و در سن ۹۵۰ سالگی وفات می‌کند (باب ۹: ۲۸-۲۹).

طبق آیات سوره هود، نوح (ع) به‌عنوان انذاردهنده قومه از سوی خداوند فرستاده شده است (هود/۲۵). در دعوت خود به سوی توحید، خالص است و هیچ‌گونه اجر و مزدی را نمی‌طلبد (آیات ۲۷-۲۹). استدلال‌های بسیاری برای هدایت قومش می‌آورد و برای هدایت قوم، مُصبر و دلسوز است (آیات ۲۸-۳۲). در مقابل تمسخر و عناد قوم، صبر پیشه می‌کند (آیه ۳۸). یاد خدا را عاملی برای نجات می‌داند (آیه ۴۱). در برابر خانواده‌اش دلسوز است و برای نجات ایشان تلاش می‌کند و در این راستا، در پی نجات فرزندش از سیل بر می‌آید (آیه ۴۲). فرزندش را از اهلش می‌داند که با انتقاد الهی مواجه می‌شود (آیه ۴۵). بلافاصله پس از اشتباه، پیامد آن را می‌پذیرد و از درگاه الهی طلب غفران می‌کند (آیه ۴۷).

مقایسه شخصیت نوح (ع) در دو روایت، نشان از تفاوت‌های ژرفی میان آن دو در بیان ویژگی‌های شخصیت نوح (ع) دارد. در ابتدا باید گفت در هر دو روایت، نوح (ع) نمادی از درستکاری و اطاعت الهی معرفی شده است که با اخلاص کامل، به هدایت قوم، طبق فرامین الهی می‌پردازد؛ اما در بیان تفاوت‌ها باید گفت در روایت تورات، بیشتر به جزئیاتی از زندگی نوح (ع) همچون سن و سال و ویژگی‌هایی از خانواده او، نوشیدن شراب و مستی پس از آن و ... پرداخته شده است. در روایت قرآنی از داستان، صرف‌نظر از جزئیات شخصی زندگی نوح (ع)، بیشتر به جنبه‌های هدایتی و دعوتی او اشاره شده است؛ به گونه‌ای که اصرار بر هدایت قوم، نوح (ع) را فردی معرفی کرده است که حجت را برای قوم خود به اتمام رسانده و دعوت الهی را تماماً ابلاغ کرده است.

## ۴-۲. قوم نوح(ع)

در روایت تورات، خداوند از خلقت انسان در زمین ناامید می‌شود و تصمیم بر نابودی تمامی ایشان به جز نوح(ع) و خانواده‌اش می‌گیرد. در سراسر داستان به روایت سفر پیدایش، سخن از نابودی موجودات روی زمین، به جز اهل کشتی و حیوانات جمع‌آوری شده در داخل کشتی به میان آمده است؛ بنابراین از دیدگاه تورات، رسالت نوح(ع) جهانی بوده و منحصر به قوم او نبوده و طوفان نوح(ع) نیز سراسر زمین را در بر گرفته و به نابودی همه موجودات زمین منجر شده است؛ اما مطابق روایت قرآنی در سوره هود، رسالت نوح(ع) تنها برای قوم او بوده است «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (هود/۲۵)؛ قوم نوح(ع) دارای ویژگی‌های شخصیتی خاصی اند که در ادامه آیات به آنها اشاره رفته است. بیشتر قوم نوح(ع) از تصمیم‌ها و سخنان اشراف و بزرگان خود تأثیر گرفته‌اند. دعوت نوح(ع) را دروغ و باطل می‌پندارند؛ اما در مقابل، عده‌ای از ایشان به دعوت نوح(ع) ایمان می‌آورند و بزرگان، آنها را ساده‌لوح می‌خوانند (آیه ۲۷). هدایت نوح(ع) بر قوم تأثیری ندارد و در برابر حق، لجاجت می‌کنند و حتی درخواست نزول هر چه زودتر عذاب را می‌کنند (آیه ۳۳). به خاطر ساختن کشتی، نوح(ع) را مسخره می‌کنند (آیه ۳۵). سرانجام وعده عذاب و هلاکت بر ایشان محقق می‌شود و به وسیله طوفان از بین می‌روند.

هیچ‌یک از خصوصیات قوم نوح(ع) که در قرآن در آیات سوره هود به آنها اشاره شده، در تورات ذکر نشده‌اند؛ بلکه دلیل اصلی نابودی بشر توسط خداوند، طبق نقل تورات، فساد و گناه بشر و همچنین پشیمانی خداوند از آفرینش بیان شده است؛ اما این موضوع طبق دیدگاه قرآن، مربوط به قوم نوح(ع) و بی‌توجهی ایشان به اندازهای نوح(ع) دانسته شده است.

## ۴-۳. خانواده نوح(ع)

در سفر پیدایش، از همسر و فرزندان نوح(ع) در

گزارش داستان طوفان یاد شده است. در ابتدا از سه فرزند او به نام‌های سام، حام و یافث یاد شده است (باب ۶: ۱۱)، سپس به عهد الهی برای حفظ همسر، پسران و عروس‌های نوح(ع) از طوفان اشاره شده است (باب ۶: ۱۸). این عهد در هنگام طوفان عملی می‌شود و همسر، فرزندان و عروس‌های نوح(ع) به داخل کشتی می‌روند تا از طوفان در امان باشند (باب ۷: ۸-۹)؛ بنابراین به هنگام طوفان نیز آنان در داخل کشتی و از عذاب مصون بوده‌اند (باب ۷: ۱۴-۱۵). پس از طوفان، پسران نوح(ع) از کشتی خارج می‌شوند و خداوند نسل ایشان را برکت می‌دهد و نسل انسان‌های زمین به وسیله پسران نوح(ع) استمرار می‌یابد (باب ۹: ۲-۳ و ۱۸-۱۹).

در گزارش سوره هود، اشاره چندانی به بستگان نوح(ع) و سرنوشت آنان به هنگام طوفان نشده است؛ اما به صورت صریح، از یکی از فرزندان نوح(ع) نام می‌برد که در هنگام طوفان در گروه غرق‌شدگان قرار گرفت. همچنین به صورت ضمنی (شخصیت پردازی غیرمستقیم)، در آیه ۴۰ به دیگر افرادی اشاره شده که به آنها وعده هلاک داده شده است «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا اخْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»؛ طبق دیدگاه مفسران، مقصود از گزاره «إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ»، همسر و فرزند نوح(ع) است که به همراه دیگر افراد قوم هلاک شدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/ ۳۴۱). تطبیق این تعبیر به همسر نوح(ع) با دیگر آیات قرآن سازگار است (نک: تحریم/۱۰). همچنین تطبیق تعبیر «إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ» به پسر نوح(ع) نیز با توجه به ادامه آیات سوره هود به دست می‌آید که طی آن نوح(ع) از فرزند خود می‌خواهد تا به ایشان پیوندد و از گروه کافران نباشد، اما او امتناع می‌ورزد و در نهایت در زمرة غرق‌شدگان قرار می‌گیرد (آیات ۴۲-۴۳). نوح(ع) از خداوند می‌خواهد تا پسرش را که از اهل و خاندانش



### ۵-۱. کشمکش در روایت تورات

داستان نوح(ع) در سفر پیدایش شامل دو کنش یا حادثه اصلی است که نگارنده از آنها به کنش تصمیم و کنش عمل تعبیر می‌کند. محوریت هر دو کنش نیز خداوند متعال است. به‌طور کلی، حوادث کنش نخست، تصمیم به نابودی بشر توسط خداوند است و حوادث کنش دوم، عملی شدن این تصمیم و نزول عذاب طوفان برای نابودی بشر است. حوادث جزئی کنش نخست بدین شرح است که فساد و تباهی تمام زمین را فرا می‌گیرد (باب ۶: ۵-۶). خداوند با مشاهده این فساد گسترده، از آفرینش انسان متأسف و محزون می‌شود (باب ۶: ۶) و تصمیم به نابودی تمامی موجودات زمین می‌گیرد. در راستای عملی کردن این تصمیم، کنش دوم رخ می‌نهد. بدین منظور خداوند به نوح(ع) فرمان ساختن کشتی می‌دهد و حفظ سلامت او و خانواده‌اش را بر عهده می‌گیرد (باب ۶: ۱۷-۲۰). سپس فرمان جمع‌آوری حیوانات مطرح می‌شود (باب ۷: ۱-۴). در نهایت، در اوج حوادث داستان، عهد الهی مبنی بر نابودی بشر، محقق و طوفان در زمانی خاص آغاز می‌شود و تمامی موجودات به جز اهل کشتی را نابود می‌سازد (باب ۷: ۱۰-۲۴).

### ۵-۲. کشمکش در روایت قرآنی

گزارش سوره «هود» از داستان طوفان نوح(ع) بر دو کنش اصلی استوار است. هر دو کنش با محوریت نوح(ع) بیان شده و حوادث داستان با سخنان و اعمال نوح(ع) گره خورده است. محوریت موضوعی آیات ۲۵-۳۵، انذار و محوریت آیات ۳۶-۴۹ نیز پیامد بی‌توجهی به انذار است. حوادث کنش نخست با محوریت انذار عبارت‌اند از: ارسال نوح(ع) از طرف خداوند برای انذار (آیات ۲۵-۲۶)، ایستادگی بزرگان قوم در برابر دعوت او (آیه ۲۷)، حجت‌ها و برهان‌های توحیدی نوح(ع) در راستای عملی کردن انذار و دعوت (آیات ۲۸-۳۱) و سرسختی و لجاجت قوم در برابر این انذارها (آیه ۳۲). حوادث کنش دوم با محوریت پیامد بی‌توجهی به انذار نیز عبارت‌اند از:

است، از غرق شدن حفظ کند (آیه ۴۵)؛ اما این درخواست با انتقاد الهی مواجه می‌شود و در نهایت، پسر نوح(ع) نیز جزو هلاک‌شدگان قرار می‌گیرد؛ زیرا تنها عامل نجات، عمل صالح است (آیه ۴۶).

در مقایسه دو روایت باید گفت در ذکر ویژگی‌های خانواده نوح(ع) دو داستان کاملاً در مقابل یکدیگرند. سفر پیدایش، از سه فرزند نوح(ع) نام می‌برد که هر سه در کشتی همراه نوح(ع) بودند و از عذاب طوفان نجات یافتند. در مقابل، قرآن کریم تنها با تعبیر کلی «اهل» به نجات‌یافتگان از بستگان او اشاره می‌کند. نیز به ماجرای یکی از فرزندان نوح(ع) اشاره کرده که به سبب اعمال ناصالحش، در گروه هلاک‌شدگان قرار گرفته است؛ اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به دیگر فرزندان نوح(ع) نکرده است. به‌علاوه طبق نقل سفر پیدایش، همسر نوح(ع) جزو نجات‌یافتگان از طوفان بوده است که گزارش قرآن کریم برخلاف آن است.

### ۵. تحلیل ساختار بر مبنای کنش، حادثه و کشمکش

به مقابله شخصیت‌ها یا عوامل داستان با یکدیگر کشمکش می‌گویند. این امر ممکن است از رویارویی شخصیت‌ها، اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌ها به وجود آید (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۷۲). هرگاه خواسته‌ها، نیازها، سلیقه‌ها، انگیزه‌ها و عملکردهای یک شخصیت با خواسته‌ها، سلیقه‌ها، انگیزه‌ها و عملکرد شخصیت‌های دیگر در تعارض قرار گیرد، برخورد و کشمکش رخ می‌دهد. در هر نوع داستان به محض خلق شخصیت‌ها، کشمکش نیز به وجود می‌آید (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱). خواننده در داستان، با خواندن کنش و کردار اشخاص می‌تواند به شناخت آنها از لحاظ روحی و جسمی دست یابد. در این شیوه، نویسنده ویژگی‌های شخصیت را مستقیم بیان نمی‌کند؛ بلکه اشخاص داستان را به حرکت و با کمک اعمال و رفتار ایشان، خواننده را با ویژگی‌هایشان آشنا می‌سازد (یونسی، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

به شکلی روشن به نمایش می‌گذارد و در شکل ایدئال باید آن قدر قوی و مؤثر باشد که دیگر نیازی به تحلیل و تبیین این روابط نباشد» (سلیمانی، ۱۳۸۳: ۳۶۵).  
گفت‌وگو بر لحن داستان نیز تأثیر می‌گذارد؛ یعنی حالت‌های روانی اشخاص را هنگامی نشان می‌دهد که می‌خواهند موقعیت پیش‌بینی‌شده خویش را در داستان اشغال کنند (یونسی، ۱۳۸۸: ۳۶۷).

علاوه بر آن، اهمیت گفت‌وگو در آن است که می‌تواند در پدیده‌های هنری داستان‌ها همچون کشف رخدادها و تحول آنها و نیز در کشف آنچه در ضمیر شخصیت‌ها می‌گذرد، سهیم باشد؛ به گونه‌ای که اگر این ویژگی‌ها در داستان موجود نبود، راز شخصیت‌های داستان برای مخاطب فاش نمی‌شد (بستانی، ۱۳۸۴: ۱۹).

#### ۱-۶. عنصر گفت‌وگو در روایت تورات

عنصر گفت‌وگو در روایت طوفان نوح(ع) در سفر پیدایش، بر مدار گفت‌وگوی خداوند با نوح(ع) و خانواده او می‌گردد. زمانی که خداوند، فساد و شرارت بشر را مشاهده می‌کند، به نوح(ع) می‌فرماید «تصمیم گرفته‌ام تمام این مردم را هلاک کنم؛ زیرا زمین را از شرارت پر کرده‌اند. من آنها را همراه زمین از بین می‌برم». سپس به نوح(ع) فرمان می‌دهد تا یک کشتی با ویژگی‌های مدنظر بسازد (باب ۶: ۱۲-۲۱). آنگاه به نوح(ع) می‌فرماید «تو و اهل خانوات داخل کشتی شوید؛ زیرا در بین همه مردم این روزگار، تنها تو را درستکار یافتم» (باب ۷: ۱). پس از پایان طوفان نیز خداوند به نوح می‌فرماید «اینک زمان آن رسیده که همه از کشتی خارج شوند» (باب ۸: ۱۶). پس از آنکه نوح(ع) برای رضایت خداوند به درگاه الهی قربانی انجام می‌دهد، خداوند با خود می‌فرماید «من بار دیگر زمین را به خاطر انسان که دلش از کودکی به طرف گناه متمایل است، لعنت نخواهم کرد» (باب ۸: ۲۲). در پایان نیز خداوند نوح(ع) و پسرانش را خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید «من با شما و نسل‌های آینده شما و حتی تمام حیوانات، پرندگان و خزندگان عهد می‌بندم که

فرمان به ساختن کشتی (آیه ۳۷)، مسخره‌کردن نوح(ع) به دلیل ساختن کشتی در خشکی (آیه ۳۸)، بشارت به عذابی خوارکننده در برابر این تمسخرها (آیه ۳۹)، آغازشدن طوفان که نقطه اوج داستان محسوب می‌شود و حوادث آن تا پایان آیات مربوطه ادامه دارد که به نجات نوح(ع) و مؤمنان به دعوت و هلاک قوم بی‌توجه به انذارها منجر می‌شود (آیات ۴۰-۴۹).

#### ۳-۵. مقایسه و تحلیل

کنش تصمیم در سفر پیدایش، شباهت اندکی به کنش انذار در آیات قرآن دارد؛ زیرا پیامد هر دو نزول عذاب است؛ اما تفاوت‌های ژرفی در این میان دیده می‌شود. کنش تصمیم در تورات، تنها با مشاهده گناه و فساد توسط خداوند صورت می‌گیرد و هیچ هدایتی از سوی نوح(ع) در این رابطه مطرح نیست! اما کنش انذار در قرآن بر پایه اتمام حجت است. نوح(ع) با انذارها و هشدارهایی که برای قوم ارائه می‌دهد، حجت را بر ایشان تمام می‌کند و پس از بی‌توجهی آنها به انذار و حتی تمسخر و لجاجت در برابر آن، عذاب الهی محقق می‌شود. کنش دوم یا نزول عذاب نیز در هر دو داستان مشترک است؛ با این تفاوت که نقطه اوج داستان که نزول عذاب و طوفان است، در سفر پیدایش، عهد الهی و به‌صورت امری گریزناپذیر معرفی شده است؛ اما در آیات قرآن، این موضوع پیامد اعمال انسان به سبب بی‌توجهی به انذارهای الهی بیان شده است.

#### ۶. گفت و گو

گفت‌وگو از عناصر مهم داستان‌نویسی است. جان و کالبد داستان به گفت‌وگو وابسته است. نخستین وظیفه گفت‌وگو، معرفی شخصیت افراد داستان است. گفت‌وگوی قوی می‌تواند جریان داستان را به پیش ببرد، شخصیت‌ها را معرفی کند و نشان‌دهنده درگیری‌ها و حوادث داستان باشد. نیز «گفت‌وگو بهترین وسیله برای نشان‌دادن روابط میان افراد است؛ یعنی روابط میان افراد را

بعد از این هرگز موجودات زنده را به وسیله طوفان هلاک نکنم» (باب ۹: ۹-۱۱).

### ۲-۶. گفت و گو در روایت قرآنی

عنصر گفت و گو در گفتمان قرآنی طوفان نوح (ع)، از گفت و گو اشرف قوم با نوح (ع) آغاز می شود. زمانی که خداوند نوح (ع) را برای هدایت قومش می فرستد، اشرف قوم در پاسخ دعوت توحیدی ایشان می گویند «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادْيِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ» (آیه ۲۷)؛ در ادامه، گفت و گو و استدلال های نوح (ع) در دعوت توحیدی اش برای قوم بیان می شود «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَآتَنُمُ لَهَا كَافِرُونَ» (آیه ۲۸) و بیان این استدلال ها تا سه آیه بعدی ادامه دارد. پس از این استدلال ها، بار دیگر به گفت و گو قوم نوح (ع) با ایشان اشاره می شود که بیان کننده اثر ناپذیری کلام و استدلال نوح (ع) در قوم اوست «قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (آیه ۳۲). پس از آن، نوح (ع) در پاسخ به ایشان، خواست و اراده الهی را عامل نهایی در این رابطه معرفی می کند «قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (آیه ۳۳). در ادامه گفت و گو، به وحی الهی به نوح (ع) درباره ایمان نیاوردن قوم اشاره شده است «وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (آیه ۳۶). آنگاه نوح (ع) فرمان عذاب الهی را برای قوم ابلاغ می کند. ایشان به سبب ساختن کشتی، نوح (ع) را مسخره می کردند! نوح در پاسخ به آنها می گوید «قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (آیه ۳۸). پس از آغاز طوفان، از گفت و گو نوح (ع) با افرادی که فرار است وارد کشتی شوند، یاد می شود که از آنان می خواهد تا با یاد خدا در کشتی

درآیند «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (آیه ۴۱)؛ در ادامه نیز طی آیاتی به گفت و گو نوح (ع) با فرزندش پرداخته شده است. نوح (ع) از فرزندش می خواهد تا از گروه کافران جدا شود و به او بپیوندد «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (آیه ۴۲)؛ اما پسر نوح (ع) به این درخواست اعتنایی نمی کند و به بلندی کوهی پناه می برد «قَالَ سَأُوَىٰ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ» (آیه ۴۳). نوح به او متذکر می شود که امروز جز با چنگ زدن به ریسمان رحمت خداوند کسی نمی تواند از عذاب نجات یابد «قَالَ لَا عَصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُعْرِقِينَ» (همان). پس از آن، نوح (ع) طی گفت و گویی با خداوند از او نجات فرزندش را درخواست می کند «وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (آیه ۴۵)؛ اما این درخواست پذیرفته نمی شود و به او گفته می شود «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْخَالِفِينَ» (آیه ۴۶). در پایان نوح (ع) طی گفت و گویی با خداوند از درخواست خود ابراز پشیمانی می کند «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آیه ۴۷).

### ۳-۶. مقایسه و تحلیل

در روایت قرآنی از طوفان نوح (ع)، تنوع و کثرت گفت و گوها در قالب های گوناگون موجب جان بخشی و زیبایی هرچه بیشتر داستان می شود و در واقع، روح داستان را گفت و گوهای متنوع و زیاد شکل می دهد؛ گفت و گوهایی که تمامی شخصیت های حاضر در داستان را درگیر می کند و به هر یک نقشی می بخشد که با توجه به شخصیت خاصشان به ایفای نقش مثبت یا منفی خود در داستان می پردازند. همچنین در روایت قرآنی، تمامی شخصیت های حاضر در داستان یعنی نوح (ع)، قوم

درختی تبدیل می‌کند که از ریشه‌هایش جدا شده است. چنین درختی شاخ و برگ نمی‌گستراند و ثمره نمی‌دهد؛ از این رو داستان موفق، به عنصر زمان توجه خاصی نشان می‌دهد و به تناسب فضا و سبک، آن را پررنگ یا کم رنگ می‌کند؛ البته این امر به این معنا نیست که به‌کارگیری عنصر زمان و بهره‌گیری آن در داستان‌نویسی، قاعده‌ مشخص یا اسلوب شناخته‌شده‌ای داشته باشد. زمان، تنها به مانند ابزاری در دست هنرمند است که متناسب با ویژگی حوادث داستان، رنگی از زمان را به کار می‌گیرد (الخطیب، ۱۹۷۵: ۸۳).

مسئله با اهمیت در این حوزه، خطی یا غیرخطی بودن زمان داستان است. زمان خطی، زمانی است که در روایت، نقطه آغاز، میانه و پایان داشته باشد؛ اما زمان غیرخطی کاملاً مغایر زمان واقعی یا خطی است. این نوع زمان مانند لحظات در انتظار می‌گذرد، با دقیقه و ساعت و روز و ماه قیاس‌پذیر نیست، یا مانند زمانی است که انسان به یادآوری خاطرات می‌گذارند. ممکن است خاطرات چند سال در چند دقیقه برایش یادآوری شود (الصامل و زملائی، ۲۰۰۱: ۱۱۲). اهمیت عنصر زمان در جهان داستان به حدی است که «سیرا قاسم»، ناقد معاصر عرب، آن را شالوده اصلی و زیربنای روایت داستان به شمار آورده است (قاسم، ۱۹۸۵: ۲۷).

#### ۷-۱-۱. عنصر زمان در روایت تورات

یکی از مهم‌ترین عناصر داستان طوفان نوح (ع) در سفر پیدایش، عنصر زمان است. نقطه ابتدایی داستان، مربوط به زمانی است که فساد، تمام زمین را در بر می‌گیرد و خداوند از آفرینش بشر متأسف می‌شود و اراده نابودی ایشان می‌کند (باب ۶: ۴-۷). سپس خداوند وعده نابودی تمامی زمین را در موعدهی خاص به نوح (ع) می‌دهد (باب ۶: ۱۷). پس از گذشت یک هفته، در زمانی که نوح (ع) ششصد ساله بود، در روز هفدهم از ماه دوم، عهد الهی تحقق می‌یابد و طوفان آغاز می‌شود و به مدت چهل شبانه‌روز، به شدت باران می‌بارد (باب ۷: ۱۰-۱۲) و

نوح (ع) و خانواده نوح (ع) وارد گف‌وگو می‌شوند؛ هر چند محور تمام گف‌وگوهای داستان، نوح (ع) است. اما در روایت عهد عتیق از داستان طوفان نوح (ع)، محور تمامی گف‌وگوهای داستان، خداوند است و تنها گف‌وگویی که در آن وجود دارد، گف‌وگویی خداوند با نوح (ع) است. در واقع، در روایت قرآنی، با استناد به گف‌وگوهای موجود، می‌توان ایدئولوژی فکری و ضمایر شخصیت‌ها را یافت؛ اما در روایت سفر پیدایش، به دلیل مجهول‌بودن گف‌وگوها، تنها می‌توان گف‌وگوی خداوند است و نمی‌دانیم چه شخصیتی و چه طرز فکری دارد؛ چون هیچ‌گونه گف‌وگویی صورت نگرفته است.

#### ۷. صحنه‌پردازی

صحنه داستان، عبارت از زمان و مکان وقوع ماجرای مطروحه در داستان است. به تعبیر دیگر، صحنه، زمینه و موقعیت مکانی و زمانی است که اشخاص داستان نقش خود را در آن بازی می‌کنند (مستور، ۱۳۷۹: ۴۶-۴۷). زمان و مکان مهم‌ترین اجزای صحنه‌اند. دو مقوله زمان و مکان در داستان، به‌عنوان ظرفی که رویدادها در آن اتفاق می‌افتند و شخصیت‌ها به کنش می‌پردازند و فردیت می‌یابند، از پیوند ناگسستنی برخوردارند و به‌نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند. در اهمیت عنصر صحنه و زمینه داستانی می‌توان گفت «اگرچه در روایات نوشتاری شرح و بسط زمینه داستانی نسبت به واقعه و شخصیت لزوم کمتری دارد، ایجاد زمینه داستانی روشن و مشخص برای بیشتر خوانندگان اولویت روان‌شناختی بسیاری دارد. چه، هنگام خواندن روایت دوست داریم بدانیم کجا هستیم و به‌دنبال نشانه‌های زمانی و مکانی واضحی از زمان و مکان یک واقعه هستیم» (تولان، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۵).

#### ۷-۱-۷. زمان

زمان در سیر حوادث داستانی و رشد و نمو آن تأثیر بسزایی دارد. خارج‌شدن قصه از محدوده زمان سبب می‌شود حادثه را عاری از حرکت و زندگی کند. آن را به

۳۸). پس از ساختن کشتی، عذاب الهی محقق می‌شود و فرمان سوارشدن به کشتی به نوح(ع) و قومش - جز کسانی که عذاب بر ایشان قطعی شده - داده می‌شود (آیه ۴۰). در زمان طوفان، نوح(ع) پسرش را فرا می‌خواند که به ایشان ملحق شود؛ اما او به بلندای کوهی پناه می‌برد و در نهایت در زمره غرق‌شدگان قرار می‌گیرد (آیات ۴۲-۴۳). در نهایت، طوفان پایان می‌پذیرد و فرمان خروج از کشتی به نوح(ع) داده می‌شود (آیه ۴۷).

### ۷-۳. مقایسه و تحلیل

عنصر زمان در هر دو روایت و داستان مربوط به طوفان نوح(ع)، به صورت خطی و منسجم و شامل آغاز و انجام خاص است و به هر دو روایت، پویایی و انسجام خاصی بخشیده است.

عنصر زمان در روایت قرآنی، بیشتر هویتی مجهول دارد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان دریافت حوادث تا چه حد به صورت متوالی رخ داده‌اند و کشف فاصله زمانی در این میان تقریباً ناممکن است؛ اما در روایت تورات، جزئیات زمانی نقش پررنگی در حوادث داستان ایفا می‌کنند؛ این جزئیات از نظر تاریخی به ما کمک می‌کند تا فاصله مجهول زمانی در روایت قرآنی را کشف کنیم. همچنین عنصر زمان و جزئیات آن در روایت تورات، بیشتر مربوط به حوادث هنگام طوفان است؛ اما در روایت قرآنی، حوادث قبل از طوفان که شامل دعوت هدایتی نوح(ع) است، تجلی ویژه دارد.

### ۷-۲. مکان

مکان مجموعه‌ای از روابط، نگرش‌ها و دیدگاه‌های بهم‌پیوسته و منسجم است که فضای داستانی را می‌سازد. مکان به همان اندازه منظم و سازمان‌یافته است که دیگر عناصر داستان به نظم رسیده‌اند؛ از این رو، مکان در دیگر عناصر داستان مؤثر است؛ نفوذ و حضور آنها را تقویت می‌کند و اهداف نویسنده را روشن می‌سازد (بحراوی، ۱۹۹۰: ۳۲).

### ۷-۲-۱. عنصر مکان در روایت تورات

مطابق گزارش سفر پیدایش، پس از فراگیر شدن فساد

آب تا ۱۵۰ روز، تمام پهنه گیتی را می‌پوشاند (باب ۷: ۲۴). کشتی پس از صد و پنجاه روز از گذشت طوفان، همراه با فروکش کردن آب‌ها، روی قله کوه آرات قرار می‌گیرد و سه ماه بعد، قله کوهها نیز نمایان می‌شوند (باب ۸: ۵-۸). نوح(ع) پرندگانی را برای جست‌وجوی خشکی رها می‌سازد و ۷ روز پس از رهاکردن نخستین کبوتر، در هنگام غروب آفتاب، کبوتر باز می‌گردد؛ ولی بار دیگر آن را رها می‌کند، ولی پرنده باز نمی‌گردد (باب ۸: ۱۰-۱۲). یک هفته پس از رهاکردن کبوتر، نوح(ع) پوشش کشتی را بر می‌دارد و مشاهده می‌کند بیشتر سطح زمین خشک شده است (باب ۸: ۱۲-۱۳). پس از گذشت ۸ هفته، تمام سطح زمین خشک می‌شود (باب ۸: ۱۵-۱۶) و در این زمان، خداوند فرمان به خارج شدن از کشتی می‌دهد (باب ۸: ۱۷). در نهایت، زمانی که نوح(ع) برای خداوند قربانگاهی می‌سازد، و در آن قربانی انجام داد، خدا از عمل او، خشنود و از لعنت انسان پشیمان می‌شود (باب ۸: ۲۰-۲۲).

### ۷-۲-۲. عنصر زمان در روایت قرآن

عنصر زمان در روایت قرآنی از داستان طوفان نیز دیده می‌شود. طبق آیات سوره هود، پس از آنکه خداوند نوح(ع) را برای هدایت قومش می‌فرستد، اشراف قوم با او به مخالفت بر می‌خیزند (آیات ۲۵-۲۷). بلافاصله پس از این مخالفت‌ها، نوح(ع) برای دعوت خود استدلال‌هایی ارائه می‌دهد (آیات ۲۸-۳۱). قوم از او درخواست عذابی می‌کنند که نوح وعده داده است و او زمان نزول این عذاب را در اختیار خداوند می‌داند (آیات ۳۲-۳۳). عنصر زمان در همه آیات به صورت مجهول بیان شده است؛ به طوری که نمی‌توان تشخیص داد حوادث داستان به صورت متوالی رخ داده‌اند یا فاصله زمانی در این میان مطرح است. طبق آیات قسمت دوم، پس از گذشت زمانی از دعوت، به نوح(ع) وحی می‌شود جز اندکی که به تو ایمان آوردند، دیگر کسی دعوت تو را نخواهد پذیرفت (آیه ۳۶). سپس به او فرمان ساختن کشتی داده می‌شود و بلافاصله نوح(ع) این فرمان را اجرا می‌کند (آیات ۳۷-

موقعیت‌های داستان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به بیان دیگر، درون‌مایه همان فکر و اندیشه حاکمی است که نویسنده در داستان اعمال می‌کند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۲).

#### ۸-۱. محتوای تربیتی روایت تورات

درون‌مایه تربیتی داستان طوفان نوح(ع) در روایت توراتی، بسیار اندک است. استنتاجات تربیتی دریافته‌شده از این روایت این است که فساد و گناه، عامل اصلی نابودی و هلاکت مجتمع انسانی محسوب می‌شود. افرادی که در زمان نوح(ع) روی زمین می‌زیستند، نمادی از فساد و گناه‌اند که در نهایت با خشم و عذاب الهی مواجه شده‌اند. شخصیت نوح(ع) در این داستان دربردارنده پیام‌های تربیتی خاصی است. نوح(ع) نماد اطاعت‌پذیری، درست‌کاری و فرمان‌برداری از خداست که این موضوعات موجب نجات او شده است. همچنین با اعمال عبادی که انجام می‌دهد، رضایت الهی را کسب کرده است؛ بنابراین اطاعت از خدا، درست‌کاری و اعمال عبادی عوامل ارتقای معنوی انسان به حساب می‌آیند.

#### ۸-۲. محتوای تربیتی روایت قرآنی

در روایت قرآنی، پیام‌های تربیتی بسیاری به دست می‌آیند که به تفکیک بیان می‌شوند:

#### ۸-۲-۱. درون‌مایه کلی آیات قسمت اول

در این آیات به مناسبت‌های مختلف، به نحوه برخورد قوم نوح(ع) با اندازهای او اشاره شده که این برخورد همراه با دروغ‌پنداشتن محتوای دعوت و انکار اوست (آیه ۲۷)؛ حتی با وجود اینکه نوح(ع) دعوت خود را خالصانه ابلاغ می‌کند، خود را بشری همانند دیگران می‌داند و نشانه‌های روشنی مبنی بر حقانیت دعوت خود اقامه می‌کند، اندرزها و اندازهای او سودی ندارد و سخنان او از سوی قوم، باطل و دروغ قلمداد می‌شود؛ اما در پایان، هدف آیات این قسمت به‌خوبی بیان شده است «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ» (آیه ۳۵)؛ در این آیه روی سخن خداوند با

در میان انسان‌ها، خداوند تصمیم به نابودی تمامی اهل زمین به جز نوح(ع) و همسر و سه پسر و عروس‌های او می‌گیرد که این عذاب در نهایت نیز به نابودی و محو تمامی موجودات جز افراد مذکور منجر می‌شود (پیدایش، باب ۳: ۱۲-۱۳). در نهایت نیز کشتی روی کوه‌های آرات قرار می‌گیرد (باب ۸: ۳ و ۴).

#### ۷-۲-۲. عنصر مکان در روایت قرآنی

در قرآن به صراحت نامی از مکان و محل استقرار نوح(ع) و قومش به میان نیامده است؛ اما برخی از مفسران محل ساخت کشتی را مسجد کوفه بیان کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳: ج ۶: ۱۶۰). در قرآن محل استقرار کشتی پس از پایان طوفان، کوه جودی معرفی شده است (هود/۴۴). در تفاسیر قرآن مصداق جودی، رشته غربی از کوه آرات بیان شده است که از سوریه شروع می‌شود و به سمت ترکیه امتداد دارد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۸: ۴۱۲).

#### ۷-۲-۳. مقایسه و تحلیل

دو روایت تورات و قرآن از عذاب طوفان نشان می‌دهد مکان زندگی نوح(ع) منطقه‌ای کوهستانی بوده است؛ اما تفاوت عمده در اشاره به مکان داستان در دو روایت، گستره مکانی طوفان است. روایت تورات به صراحت مکان داستان را جهانی می‌داند و طوفان را عالمگیر معرفی می‌کند که در نهایت به نابودی تمامی موجودات منجر شده است؛ اما طبق ظاهر آیات قرآن، طوفان نوح به مکانی مشخص و محدود منحصر بوده است؛ زیرا قرآن از فرستاده‌شدن نوح(ع) برای هدایت قوم خود سخن به میان می‌آورد (آیه ۲۵) که البته این دعوت با سرسختی و لجاجت قوم نوح(ع) روبه‌رو می‌شود (آیه ۲۷). در نهایت نیز فرمان عذاب، برای همان قوم مشخص صادر می‌شود (آیه ۳۶). از گفت‌وگوهای میان میان نوح(ع) و قومش در سراسر داستان نیز انحصار مکانی داستان دریافته می‌شود.

#### ۸. استنتاجات تربیتی از محتوا و درون‌مایه دو روایت

درون‌مایه و محتوا به‌منزله عنصر اصلی و مسلط در داستان،

می شوند. براساس آیات سوره هود، هر شخصیت داستان نوح(ع) نمادی از اهداف تربیتی است. نوح(ع)، محور اصلی داستان، نماد صبر و استقامت و دعوت به سوی حق است و در راه دعوت به سوی توحید، تمام سختی‌ها را به جان می‌خورد. شخصیت نوح(ع)، یکی از انبیای اولوالعزم، این هدف تربیتی را منعکس می‌کند که هرچند در راه دعوت به سوی توحید، سختی‌هایی وجود دارد، سرانجام سختی‌ها پایان می‌پذیرد و حق بر باطل پیروز می‌شود. شخصیت اشراف قوم نوح(ع) نماد سرسختی و لجاجت در برابر پذیرش آئین حق و قوم نوح(ع) نماد کفر، غرور، تمسخر و استهزاء و ... است. اندک افرادی که به نوح(ع) ایمان آوردند، این هدف تربیتی را القا می‌کنند که هرچند در راه دعوت، حتی امید به هدایت عده کمی باشد، باز هم دعوت باید استمرار یابد تا حجت بر همگان تمام شود. شخصیت پسر نوح(ع) این هدف تربیتی را می‌رساند که نسبت خانوادگی حتی با انبیای الهی در پیشگاه خداوند هیچ‌گونه مزیتی به دنبال ندارد و تنها ملاک برتری و نجات، تقوا است؛ بنابراین، بر پایه شخصیت‌های داستان نیز هدف اصلی نقل داستان یعنی هدف هدایتی دریافته می‌شود.

#### ۹. نتیجه

بررسی تطبیقی عناصر هنری داستان طوفان نوح(ع) در روایت سفر پیدایش تورات و روایت قرآن کریم (با محوریت سوره هود) بیان‌کننده نتایج ذیل است:

۱. رابطه علت و معلول پیرنگ هر دو روایت را تشکیل می‌دهد که در روایت تورات، بر پایه کنش تصمیم به نابودی بشر به دلیل پشیمانی از آفرینش (علت) و نزول عذاب سیل (پیامد) و در روایت قرآن، بر پایه کنش بی‌توجهی قوم نوح(ع) به انذار (علت) و نزول عذاب (پیامد) استوار است. بر اساس این، هر دو روایت در مرحله پیامد مشترک‌اند؛ اما در مرحله دلیل نزول عذاب، تفاوت ژرفی وجود دارد.

۲. زاویه دید در روایت تورات به صورت روایت‌گری

مشرکان مکه است و به ایشان کنایه می‌زند که دروغ‌پنداشتن دعوت پیامبر اکرم(ص) همانند نحوه برخورد مشرکان قوم نوح(ع) با ایشان است؛ چنانکه صاحب المیزان معتقد است «به دلیل مشابهت داستان نوح(ع) با دعوت پیامبر اسلام(ص)، در این آیه داستان تهمت‌های واردشده مبنی بر دروغ‌گوبودن رسول خدا(ص) عطف بر داستان نوح(ع) شده است؛ چون کار رسول خدا(ص) نیز همان اندازی بود که نوح انجام می‌داد و جز به همان حجت‌هایی که نوح داشت، احتجاج نمی‌کرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۰: ۳۲۸).

#### ۸-۲-۲. درون‌مایه کلی آیات قسمت دوم

آیات ۳۶ تا ۴۹ سوره هود قسمت دوم داستان طوفان را در این سوره در بر می‌گیرد. هدف کلی این قسمت در آیه آخر به زیبایی بیان شده است. به سبب اینکه محتوای اصلی این بخش، بیان صبر و استقامت نوح(ع) در دعوت به توحید است، در آیه انتهایی، با التفات، پیامبر اکرم(ص) مخاطب قرار می‌گیرد و از ایشان خواسته می‌شود همان‌گونه که نوح(ع) در برابر آزار و اذیت قوم خود شکیبایی پیشه کرد، وظیفه پیامبر اسلام(ص) نیز شکیبایی در برابر آزارهای مشرکان مکه است «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (آیه ۴۹)؛ معنای آیه این است که: ای پیامبر! حال که فهمیدی پایان کار نوح و قوم او به کجا انجامید و چگونه قومش هلاک شدند و خود و مؤمنین همراهش نجات یافتند و خدای تعالی ایشان را به دلیل صبرشان وارثان زمین قرار داد و حال که فهمیدی اگر خدای تعالی نوح را بر دشمنانش نصرت داد، به دلیل صبر او بود، پس تو نیز صبر کن که سرانجام نیک از آن افراد و اقوام با تقوا است و دارندگان تقوا همان‌هایی هستند که در راه خدا صبر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۰: ۳۶۲).

علاوه بر آن، بر اساس این داستان به روایت قرآن، هر یک از عناصر شخصیتی که در داستان نوح(ع) ایفای نقش می‌کنند، دارای هدف تربیتی خاصی‌اند که به دو بخش شخصیت‌های مثبت داستان و شخصیت‌های منفی تقسیم

در نهایت هدف هدایتی مدنظر قرآن را محقق می‌سازند.

#### منابع

- ۱- قرآن کریم.
  - ۲- کتاب مقدس، (۱۳۸۰ش)، ترجمه فاضل خان همدانی، ولیام گلن و هنری مرتن، تهران، اساطیر.
  - ۳- اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، اصفهان، فردا.
  - ۴- ایرانی، ناصر، (۱۳۶۴)، داستان، تعاریف، ابزار و عناصر، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
  - ۵- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، محمدعلی خیری، محمود طاووسی و سید حبیب‌الله لزکی، (۱۳۸۶)، «تحلیل عناصر داستان قصه حضرت یوسف(ع) در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸، صص ۲۰-۱.
  - ۶- بحرایی، حسن، (۱۹۹۰م)، بنیه الشکل الروالی، بیروت، المرکز الثقافی العربی.
  - ۷- براهنی، رضا، (۱۳۶۸)، قصه‌نویسی، تهران، البرز.
  - ۸- بستانی، محمود، (۱۳۸۴ش)، پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، ترجمه موسی دانش، مشهد، آستان قدس رضوی.
  - ۹- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۶)، روش تحقیق (با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
  - ۱۰- تودورف، تزوتان، (۱۳۸۸)، بوطیقای نثر، پژوهش‌های نو درباره حکایت، ترجمه انوشیروان گنجی‌پور، تهران، نی.
  - ۱۱- تولان، مایکل، (۱۳۸۶)، روایت‌شناسی، درآمدی زبان‌شناختی، انتقادی، ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران، انتشارات سمت.
  - ۱۲- حسینی همدانی، سیدمحمد، (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، لطفی.
  - ۱۳- الخطیب، عبدالکریم، (۱۹۷۵)، القصص القرآنی فی
- راوی مجهول است که خداوند نیز در آن نقش فعالی ایفا می‌کند؛ اما در روایت قرآن، راوی دانای کل است و طی آن، خداوند، تنها کسی است که احاطه کامل به حوادث داستان دارد.
۳. در تحلیل شخصیت‌های داستان، روایت تورات بیشتر به ویژگی‌های طبیعی همچون سن، شراب‌خواری و ... نوح(ع) اشاره کرده است؛ اما روایت قرآن، پیام‌های هدایتی را در ورای شخصیت‌های متنوع داستان دنبال می‌کند که این اهداف در شخصیت‌هایی همچون نوح(ع)، قوم نوح(ع) و خانواده نوح(ع) تجلی یافته است.
۴. حوادث روایت تورات با محوریت خداوند، شامل کنش تصمیم و کنش عمل به تصمیم است؛ اما حوادث روایت قرآن، با محوریت نوح(ع) و شامل کنش دعوت به هدایت و هدایت‌ناپذیری و در نهایت نزول عذاب است. هر دو روایت در کنش نزول عذاب مشترک‌اند.
۵. گفت‌وگوهای متنوع در روایت قرآنی شامل گفت‌وگوی خداوند با نوح(ع) و برعکس، گفت‌وگوی نوح(ع) با قوم‌اش و برعکس و گفت‌وگوی نوح(ع) با خانواده‌اش است و این تنوع حوادث، داستان را جذاب‌تر کرده است؛ اما در روایت توراتی، محور گفت‌وگو، تنها نوح(ع) است که از خداوند اموری را درخواست می‌کند.
۶. محوریت زمان خطی و منسجم، عنصر مشترک زمان در دو روایت است؛ اما جزئیات زمانی در روایت توراتی، معلوم و در روایت قرآن، مجهول و مبهم است.
۷. در محوریت مکانی، نقطه اشتراک در هر دو روایت، کوهستانی بودن منطقه فرود کشتی است؛ اما در روایت توراتی، مکان داستان، جهانی و در روایت قرآنی، قومی مشخص است.
۸. هر یک از شخصیت‌های داستان، هدف تربیتی خاصی را منعکس می‌سازند که در تورات، جنبه عبادی این هدف تنها برای نوح(ع) محقق شده است؛ اما در قرآن، علاوه بر نوح(ع) هر یک از شخصیت‌های حاضر در داستان، هدف تربیتی خاصی را دنبال می‌کنند که



- منطوقه و مفهومه، بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۴- رضایی، غلامعباس و محمودی، ابوبکر، (۱۳۹۰)، «بررسی تطور ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسان بن ثابت با نظر به مکتب ساختارگرایی»، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، شماره ۱، صص ۸۱-۴۵.
- ۱۵- سلیمانی، محسن، (۱۳۸۳)، فن داستان‌نویسی (ترجمه مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها)، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- الصامل، محمد و زملائه، (۲۰۰۱م)، البلاغه و النقد، ریاض، مطبوعه وزارة المعارف للمملكة العربية السعودية.
- ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲) مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناصرخسرو.
- ۱۹- علوی، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۴)، «سبک‌شناسی انتقادی زاویه دید در داستان کوتاه "مردی که برنگشت"»، نشریه ادب و زبان، شماره ۳۸، صص ۲۸-۱.
- ۲۰- علی‌پور، احمد و همکاران، (۱۳۸۶)، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۲۱- فرهنگ، سهیلا و یوسف‌پور، محمدکاظم، (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی شعر الفبای درد سروده قیصر امین‌پور»، کاوش‌نامه، شماره ۲۱، صص ۱۶۶-۱۴۳.
- ۲۲- فضل، صلاح، (۱۹۹۸)، النظرية البنائية فی النقد الأدبی، القاهرة، دارالشروق.
- ۲۳- فورستر، ای. ام، (۱۳۶۹)، جنبه‌های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، امیرکبیر.
- ۲۴- قاسم، سیزا احمد، (۱۹۸۵م)، بناء الروایه، بیروت، دارالتنوير.
- ۲۵- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.
- ۲۶- مستور، مصطفی، (۱۳۷۹)، مبانی داستان کوتاه، تهران، مرکز نشر.
- ۲۷- میرصادقی، جمال و میمنت، (۱۳۷۷)، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، تهران، کتاب مهناز.
- ۲۸- میرصادقی، جمال، (۱۳۷۶)، عناصر داستان، تهران، انتشارات سخن، چاپ سوم.
- ۲۹- یوسف العرجا، جهاد، (۲۰۰۲م)، سیمیایه الشخصیات فی القاهرة الجدیدة لنجیب محفوظ، کلیة الآداب - قسم اللغة العربیة، الجامعة الاسلامیة بغزه.
- ۳۰- یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، هنر داستان‌نویسی، تهران، آگاه.

